

بررسی آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته



علیرضا حسینی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان)

مقدمه:

می‌شود. در این مورد، حکم ورشکستگی دارای اثر عام است و نسبت به تمام اموال تاجر قابل تسری است. ورشکستگی، اعلام وضع تاجری است که قابلیت انجام تعهدات خود را از دست داده و قادر به تأدیه دیون خود نیست. چنین شخصی دیگر قابل اعتماد نبوده و جامعه با سوءظن به او نگاه می‌کند و چون دارایی ورشکسته وثیقه انجام تعهدات او است، اداره این دارایی و تصفیه دیون و مطالبات ورشکسته از اختیار او خارج می‌شود. در گذشته، حتی شخص ورشکسته به بردگی بستانکاران در می‌آمد، تا هر نوع آنان تشخیص دهند با او رفتار نمایند. ولی با تحریم اصول بردگی و توسعه افکار اخلاقی و بشر دوستی و از بین مجازات‌ها در امور حقوقی، قوانین امروزی در مواردی که تاجر ورشکسته مرتکب تقصیر یا نقلی نشده باشد، حکم ورشکستگی را فقط مؤثر در دارایی وی می‌دانند و اگر در بعضی مواقع توقیف شخص ورشکسته را نیز تجویز می‌کنند، این اقدام جنبه جزایی نداشته و فقط اقدامات احتیاطی برای حفظ حقوق بستانکاران و عدم تفریط دارایی ورشکسته می‌باشد.

قانون تجارت ایران، مواد (۴۱۲) تا (۵۷۵) را به مباحث راجع به ورشکستگی تاجر ورشکسته اختصاص داده است. ورشکستگی به حالتی اطلاق می‌گردد که تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود. ورشکستگی مطابق قانون تجارت ایران به سه نوع تقسیم می‌شود: عادی، به تقصیر و ورشکستگی به تقلب؛ که هر کدام دارای عناصر خاص خود می‌باشد که در این مبحث قصد پرداختن به آن را نداریم. نکته قابل توجه آن است که بسیاری از تجار ما راجع به قوانین تجارت و ورشکستگی اطلاعات زیادی ندارند و گاهی مشاهده می‌شود که بسیاری از قضات نیز اطلاعات کامل و جامعی در این خصوص ندارند. در این مقاله سعی شده است که آثار حکم ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

پس از صدور حکم ورشکستگی، بلافاصله و بی‌آنکه لازم باشد حکم ابلاغ گردد، آزادی تاجر محکوم علیه در اداره اموالش محدود

۱. ماهیت حقوقی منع مداخله:

حجر ورشکسته، حجر قانونی است که شباهتی به حجر بعضی از محجورین دیگر ندارد. ورشکسته مثل محجوری است که اموال او را شخص قیم اداره می‌کند. ولی چنین تشبیهی سطحی و ظاهری می‌باشد؛ زیرا اعمال حقوقی ورشکسته باطل نیستند، ولی نسبت به مجموعه دارایی او اصولاً پس از صدور حکم بلااثر می‌باشد. به همین دلیل است که تعهدات تاجر ورشکسته که در نتیجه قرارداد و یا تقصیر عمدی و غیر عمدی ایجاد می‌گردد، باوصف منع مداخله تاجر ورشکسته در اموال خود، مانع از این نمی‌شود که او کار جدیدی غیر از تجارت انجام دهد.^(۱)

تاجر ورشکسته اصولاً محجور نمی‌شود و در امور غیرمالی خود آزاد است و می‌تواند کاری پیدا کند که زندگی خود را تأمین کند؛ یا آنکه با موافقت مدیر تصفیه به کار خود ادامه داده یا معاملاتی انجام دهد. حجر محجوران مانند صغیر و دیوانه، حجر ذاتی است و برای حفظ منافع خود محجور است. در صورتی که در مورد ورشکسته، منع مداخله در اموال برای حفظ حقوق بستانکاران است.^(۲) در واقع، حجر جنبه شخصی دارد و عدم مداخله محجور به لحاظ وضع شخصی و نفع خود او برقرار شده است؛ در حالی که منع مداخله ورشکسته جنبه موضوعی دارد و یک نوع تأمین و توقیف قانونی است تا تاجر نتواند با داشتن اختیار اداره اموال خود، آنها را به ضرر طلبکاران به اشخاص دیگر منتقل کند.^(۳)

۲. وسعت و حدود منع مداخله:

منع مداخله - همان طور که در ماده (۴۱۸) قانون تجارت، بصراحت بیان شده است - شامل تمام اموال ورشکسته می‌شود، حتی آن چه ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد، اعم از اموالی که در تجارتخانه دارد یا اموال شخصی وی. منع مداخله، قبل از هر چیز، شامل اموالی می‌شود که تاجر حین صدور حکم ورشکستگی مالک آن است. باتوجه به اطلاق ماده (۴۱۸) قانون

تجارت، هرگاه پس از صدور حکم ورشکستگی، به تاجر اثری برسد یا به دارایی او بیفزاید، این افزایش به سود طلبکاران قابل تقسیم خواهد بود، مشروط بر این که ترکه را به طور صریح و یا ضمنی قبول کرده باشد. در واقع، به موجب ماده (۲۴۰) قانون امور حسبی، وراثت می‌توانند ترکه را قبول یا رد کنند، که به طلبکاران متوفای داده می‌شود.

سوالی که در این جا مطرح است این است که: آیا مدیر تصفیه می‌تواند به قائم مقامی تاجر قبول ترکه را اعلام کند یا خیر؟ به نظر می‌رسد جواب منفی است؛ زیرا، اگر ترکه بیش از دیون خود متوفای باشد و مازاد ترکه‌ای وجود داشته باشد، متعلق حق طلبکاران خواهد بود. در نظام حقوقی ما، ارث جنبه قهری دارد، به همین دلیل، در ماده (۲۵۰) قانون امور حسبی، برای رد ترکه مهلت یک ماهه مقرر شده است که از تاریخ اطلاع وراثت از فوت مورث شروع می‌شود و در صورت عدم اعلام رد در مدت مذکور، قبول شده تلقی خواهد شد. بنابراین، بدون این که نیاز به اقدامی از جانب مدیر تصفیه باشد، ترکه متعلق حق طلبکاران قرار می‌گیرد و تاجر در آن حق دخالت ندارد. البته بدیهی است که طلبکاران خود متوفای بر طلبکاران ورشکسته رجحان خواهند داشت و طلب آنان باید قبل از طلبکاران اخیر از ترکه پرداخت شود.

۳. مستثنیات دین:

اموالی که در امانت تاجر است یا به عنوان ولایت و قیمومیت در اختیار اوست، جزء دارایی ورشکسته محسوب نشده و سلب مداخله شامل این اموال می‌گردد. علاوه بر این، ماده (۱۶) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی اعلام می‌دارد: «مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده، ولی جز صورت اموال قید خواهد شد.» طبق ماده (۶۳۰) قانون اصول محاکمات حقوقی، مستثنیات دین که قابل توقیف نیستند عبارتند از:

۱. لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفای حوایج ضروری مدیون و خانواده او لازم است.
 ۲. آذوقه موجوده به قدر احتیاج یک ماهه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب النفقه.
 ۳. اسناد مدیون به استثنای کاغذهای قیمتی و سهام شرکت‌ها.
 ۴. لباس رسمی و نیمه رسمی مدیون و همچنین اسلحه و اسب اهل نظام حاضر به خدمت.
 ۵. اسباب و آلات زراعتی و حرفه‌ای و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین لوازمی که برای زراعت لازم است. تبصره: مستثنیات دین که به رهن و وثیقه داده شده از شمول این ماده بیرون است.»
- موارد فوق در ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی

ورشکسته نه تنها از تصرف در اموال خود ممنوع است، بلکه از استفاده از کلیه حقوق مالی خود نیز محروم می‌باشد. بنابراین، حق اقامه دعای مالی علیه کسی را ندارد، و دیگری هم نمی‌تواند علیه او اقامه دعای مالی کند.

مصوب ۱۳۵۶ با کمی تغییر آمده است. (۴)

۴. دعای ورشکسته:

ورشکسته نه تنها از تصرف در اموال خود ممنوع است، بلکه از استفاده از کلیه حقوق مالی خود نیز محروم می‌باشد. بنابراین، حق اقامه دعای مالی علیه کسی را ندارد، و دیگری هم نمی‌تواند علیه او اقامه دعای مالی کند. (۵)

دعایی که علیه تاجر ورشکسته در جریان رسیدگی بوده و یا بعداً طرح و اقامه شود باید به طرفیت مدیر تصفیه باشد و این دعای بر دو نوع است: یا مربوط به اموال و حقوق مالی، اعم از اینکه تاجر ورشکسته خوانده و یا خواهان بوده و یا بعداً طرف دعوا قرار گیرد. وظیفه تعقیب یا اقامه دعوا بر عهده مدیر تصفیه است و نیست. حقوق غیرمالی باید قابل به تفکیک شد.

به این معنا که اگر حقوق غیر مالی منجر به نتایج مالی گردد، به طوری که بر حقوق و مطالبات بستانکاران تأثیر داشته باشد، باز تاجر ورشکسته ممنوع از مداخله است؛ مثلاً اگر علیه وی دعای نکاح یا نسبت بشود که در نتیجه مؤثر در وضع مالی بازرگانی باشد، مدیر تصفیه مداخله خواهد کرد؛ ولی دعایی مانند ولایت یا قیمومیت که جنبه مالی محض داشته باشد، ورشکسته ممنوع از طرح یا دفاع نخواهد بود. بنابراین، ضابطه کلی تأثیر یا عدم تأثیر دعای در وضع مالی بازرگان ورشکسته است.

با این وجود، قانون اجازه داده است که بنا به تشخیص دادگاه، خود بازرگان ورشکسته به عنوان شخص ثالث در دعوا وارد شود؛ زیرا ممکن است ورود بازرگانان و توضیحات وی در رفع قضیه مطرح شده مؤثر باشد. همین معنا در ماده (۴۲۰) ق.، به این نحو بیان شده است:

«محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.» به هر صورت، در تمام دعای، مدیر تصفیه حق دخالت دارد، چه به عنوان مدعی یا مدعی علیه، چه به عنوان شخص ثالث. (۶)

۵. آثار منع مداخله:

قاعده منع مداخله در ماده (۴۱۸) قانون تجارت، متضمن آثار و نتایج متعددی است، از جمله:

۱. تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی حق عقد قراردادی را که مؤثر در حقوق هیأت طلبکاران باشد، ندارد؛ برای مثال: بازرگانان نمی‌توانند به نفع طلبکاری، بر مالی از اموال خود وثیقه برقرار کنند. در این صورت، قرارداد مزبور نسبت به هیأت طلبکاران تاجر بلااثر است و مال مورد وثیقه باید در اختیار مدیر تصفیه قرار گیرد.

۲. از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، هرگونه پرداختی به

۳. هر گاه یکی از طلبکاران تاجر بعد از صدور حکم ورشکستگی، متقابلاً به ورشکسته بدهکار شود، تهاثر صورت نمی‌گیرد و بدهکار تاجر باید مبلغ بدهی خود را به مدیر تصفیه بپردازد و برای دریافت طلب خود از تاجر، جزء غرما قرار گیرد. این قاعده به طور مسلم موافق روح مقررات قانون تجارت در مورد ورشکستگی است؛ چون این مقررات به منظور برقراری وضعیت مساوی میان طلبکاران تاجر وضع شده است و قبول تهاثر در چنین حالتی به ضرر طلبکاران دیگر است؛ بنابراین باید مردود اعلام شود.

۶. منع بازداشت ورشکسته به علت عدم پرداخت ضرر و زیان به مدعی خصوصی:

قبل از قانون بازداشت بدهکاران در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مصوب ۵۲، شاکی خصوصی حق داشت براساس ماده (۱) الحاقی به قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۷۷، ضرر و زیان خصوصی خود را از محکوم علیه مطالبه نماید و باگذشتن ده روز از تاریخ مطالبه، در صورتی که محکوم علیه مالی معرفی نمی‌کرد یا دسترسی به اموال او نبود، به درخواست مدعی خصوصی در مورد ضرر و زیان در ازای هر پنجاه ریال یکروز توقیف می‌شد. ضمناً مدت توقیف در تمام موارد نباید از پنج سال تجاوز می‌نمود. (۷)

در حکومت قانون مزبور، این سؤال مطرح شد که با توجه به این که برابر ماده (۴۱۸) ق.ت، تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم، حق مداخله در اموال خود را ندارد، آیا می‌توان وی را در مقابل ضرر و زیان مدعی خصوصی بازداشت نمود یا خیر؟ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۹۰ مورخ ۵۰/۹/۱۷ اعلام نمود: «چون تاجر از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده (۴۱۸) ق.ت، از مداخله در کلیه اموال ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال دسترسی داشته باشد، به واسطه این که داریی ورشکسته متعلق حق همه طلبکاران است، حق مداخله نداشته و باید برای استیفای حقوق خود به اداره تصفیه مراجعه نمایند. مورد از شمول قانون (۱) الحاقی به آ.د.ک، خارج است و نمی‌توان ورشکسته را به استناد آن توقیف کرد.»

بنابراین، ماده واحده قانون منع بازداشت اشخاص مصوب ۵۲، به استثنای جزای نقدی، توقیف اشخاص را در قبال عدم پرداخت دین و محکوم به و تخلف از انجام سایر تعهدات و الزامات مالی، منع نموده است. بنابراین، بازداشت ورشکسته به علت عدم تأدیه ضرر و زیان مدعی خصوصی موردی نخواهد داشت؛ زیرا قانون مذکور ناسخ ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۵۱، در خصوص تأدیه جزایی نقدی یا ضرر و زیان ناشی از جرم وارد شده به مدعی خصوصی می‌باشد و از طرفی، ماده (۱۳۹) ق.م.ا مصوب ۶۲، ناظر به اختیار دادگاه در بازداشت محکوم علیه نسبت به عدم رد عین مال یا قیمت یا مثل آن با شرایط پیش‌بینی شده در ماده مذکور می‌باشد.

۷. ضمانت اجرای منع مداخله:

هرگاه معامله تاجر بعد از صدور حکم ورشکستگی از نوع معاملات مندرج در ماده (۴۲۳) ق.ت، تجارت، یعنی «معاملات تاجر بعد از توقف» باشد، اقدام او باطل و بلااثر خواهد بود؛ زیرا زمانی که معاملات مندرج در ماده (۴۲۳) قانون تجارت، از تاریخ توقف باطل اعلام شده است، به طریق اولی، چنین معاملاتی بعد از صدور حکم ورشکستگی نیز باطل و بلااثر است.

سؤال: آیا معاملات خارج از انواع مذکور در ماده فوق را می‌توان باطل اعلام کرد؟ پاسخ این است که این نوع معاملات مشروط به این که مالی باشد و بعد از صدور حکم ورشکستگی منعقد شده باشد، باطل است. هر چند که تاجر مجبور به حساب نمی‌آید.^(۸) در واقع، قاعده منع مداخله، از قواعد امره و دارای خصیصه نظم عمومی است و بنابراین، اقدامات خلاف آن به حکم ماده (۹۷۵) قانون مدنی، باطل است. به همین دلیل، شخص ثالثی که با تاجر ورشکسته معامله کرده است، حتی پس از ختم ورشکستگی و پرداخت حقوق طلبکاران حق ندارد تاجر را به اجرای تعهداتش

ملزم نماید.^(۹)

۸. سلب اعتبار از تاجر:

با صدور حکم ورشکستگی، اعتبار تاجر از بین می‌رود. ورشکستگی اساساً در نظر جامعه امری موهن است و تاجر را از حیثیت و اعتبار، می‌اندازد و اعاده اعتبار موقوف به پایان ورشکستگی و رعایت مقررات خاصی است.

۹. محرومیت از حقوق سیاسی و اجتماعی:

قانون تجارت راجع به محرومیت‌های سیاسی، ساکت است؛ ولی در قوانین و مقررات خاص، از این نوع محرومیت‌ها سخن به میان آمده است. مثلاً بازرگان ورشکسته، محروم از انتخاب کردن یا انتخاب شدن و عضویت در هیأت تصفیه و نظایر اینهاست. بدیهی است که در ورشکستگی عادی پس از اعاده اعتبار، این محرومیت‌ها از بین می‌رود؛ ولی در ورشکستگی به تقصیر و یا تقلب مادامی که از جنبه جزایی اعاده حیثیت نشده، محرومیت سیاسی هم باقی خواهد بود.

در مورد محرومیت‌های اجتماعی نیز قانون ساکت است؛ ولی در اغلب قوانین، محرومیت‌هایی حتی برای ورشکستگان عادی دیده می‌شود و در مورد ورشکستگی به تقصیر و یا به تقلب چون ورشکسته مرتکب جرم شده، محرومیت‌های اجتماعی نتیجه محکومیت‌های جزایی است.

مثلاً در قانون اصلاحی شرکتهای مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۴۷، ورشکستگان نمی‌توانند به سمت مدیر یا بازرس شرکت‌های سهامی تعیین بشوند. ماده (۱۹) قانون تأسیس اتاقهای بازرگانی مصوب ۷ دی‌ماه سال ۱۳۳۳، تصریح می‌کند که بازرگانان متوقف در مدت توقف، از حق عضویت اتاقهای بازرگانی محروم می‌باشند. در سایر قوانین هم که به‌طور صریح ورشکسته را برای انجام کارهای مختلف منع نمی‌کند؛ چون یکی از شرایط اشتغال، داشتن حسن شهرت می‌باشد، ولی ورشکستگی حسن شهرت را لکه دار نموده و مانع اشتغال می‌شود، حتی ادامه تجارت نیز برای ورشکسته میسر نیست مگر آن که اعاده اعتبار کند.^(۱۰)

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، نشر دادگستر، جلد ۴، چاپ ۷۶، ص ۱۴۰.
- (۲) عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، جهاد دانشگاهی، چاپ ۶۹، ص ۱۰۹.
- (۳) اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ ۷۵، ص ۵۷.
- (۴) ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۴۱.
- (۵) عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، گنج دانش، چاپ ۷۳، ص ۲۲۴.
- (۶) کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۷۲، ص ۲۰۵.
- (۷) عرفانی، محمود، پیشین، ص ۱۱۲.
- (۸) نظریه مورخه ۵۲/۱۰/۱۶ اداره حقوقی وزارت دادگستری، مجموعه نظریه‌های مشورتی در زمینه مسائل مدنی، ص ۲۶.
- (۹) اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۶۰.
- (۱۰) ستوده تهرانی، حسن، پیشین، ص ۱۹۸.